

بعد معلوم شد که دربار رهبری سیاسی را می‌خواست خشتی بکند تا رهبری مذهبی را بکوبد.»

بی.بی.سی: «گرچه سران جبهه ملی و نهضت آزادی در زندان بودند، اما به گفته مهندس بازرگان هواداران آنها از آیت‌الله خمینی پشتیبانی کردند:

مهندس بازرگان: ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ موقعی صورت گرفت که هم سران جبهه ملی و عده زیادی از دانشجویان و بازاریهای جبهه ملی و نهضت آزادی، همه ما در زندان بودیم. یعنی در آن موقع همکاری یا دخالتی وجود نداشت، جز اینکه افرادی از نهضت آزادی که آن موقع در خارج بودند، یعنی آزاد بودند، شناخته نشده بودند و گرفتار هم نشده بودند، آنها یک مشورت مختصری با ما کرده بودند، اعلامیه‌هایی دادند در پشتیبانی از این حرکتی که فرمانش و رهبریش با آقای خمینی بود. ولی خوب، بعد از آن هم مدت‌ها زندان ما و گرفتاری ما ادامه داشت، به طوری که در آن جریانها ما نمی‌توانستیم نقشی بازی کنیم.»

بی.بی.سی: «دولت علم از وسعت تشکیلات و دامنه تظاهرات تکان خورده بود. با این حال داریوش همایون معتقد است که دولت علم قاطعانه عمل کرد:

داریوش همایون: خیلی کم اهمیت تلقی کردند در آغاز تظاهرات را، بعد وقتی که بالا گرفت و یکدله، به اصطلاح و بدون هیچ تردیدی تصمیم به درهم شکستن آن تظاهرات گرفتند و گزارش مذاکرات هیئت دولت در آن روزها به نظر من یک سند فوق‌العاده درخشانی است. از نظر روشن‌بینی، از نظر جسارت، از نظر تشخیص درستی موقعیت، از نظر اراده‌ای داشتند که بازی نکنند با سرنوشت مملکت، تعارف نکنند، ریا نکنند و به اصطلاح شترسواری دولادولا نکنند. هیئت دولت تصمیم فوق‌العاده درست و شجاعانه‌ای گرفت و حتی خود شاه زیاد مایل نبود به راه حلی که نخست‌وزیر و هیئت دولت در پیش گرفتند. ولی آنها مسئولیت قبول کردند و کار را تمام کردند و مملکت را دست کم پانزده سال زودتر این فاجعه نجات دادند.»

بی.بی.سی: «بحرانی که پیش آمد حتی مایه نگرانی رجال سیاسی طرفدار شاه شد. به گفته دکتر امینی کسانی چون او به ملامت دولت علم برخاستند: دکتر علی امینی: من وقتی که خواستم بیایم اروپا با شاه جای خوردم و من خداحافظی کردم. آن وقتی بود که من اعلامیه‌ام را صادر کرده بودم برله خمینی، بر علیه دولت علم. من و درخشش و الموتی و فریور. هیچ او به روی خودش نیاورد. وقتی بلند شد که خداحافظی کنیم، گفتم والله مثل اینکه اعلیحضرت مکدّرند که من یک چنین حرکتی کرده‌ام، اگر مخالفینی در مملکت هستند که حتماً خواهند بود، بگذارید دور من جمع شوند، گفت دور شما هم جمع می‌شوند؟ گفتم خوب اگر میل ندارید نمی‌دانم ولی بگذارید این مخالف کسی نباشد که با شما مخالف باشد چون مخالف که هست در مملکت، بگذارید من جمع بکنم و من رئیس مخالفین بشوم.»

بی.بی.سی: «ارتشبد فریدون جم نیز عقیده دارد که شاه نمی‌بایست خود را مستقیماً درگیر می‌کرد:

ارتشبد جم: البته این جریانات به من مربوط نبود، تمام این کارها در ساواک متمرکز بود و من اغلب از نصیری شنیده بودم که آقای خمینی مبارزاتی می‌کند و مخالفت‌هایی می‌کند و از این حرفها و فلان و اینها. و به نظر من هم درست در نمی‌آمد. می‌گفتم که آخر بالاخره اعلیحضرت خودش را نباید بیاورد رقیب مثلاً یک نفر مجتهدی بکند که روی امور مذهبی و اینها حرفهایی می‌زند. خیلی خوب آن حرفهایش یا درست یا غلط. اگر درست می‌گوید باید عمل کرد و اگر درست نمی‌گوید که خوب باید به مردم بفهماند که نه، این حرفهایی که می‌زند بی‌معنی است. ولی این طور مبارزه کردن، به نظر من درست در نمی‌آمد. همه روحانیت هم که مبارزه نمی‌کرد با سلطنت. اگر سلطنت انگشتش را لای چرخ آنها نمی‌خواست بگذارد که آنها انگشت لای چرخ اینها نمی‌گذاشتند.»

بی.بی.سی: «فعالیت مراجع و اعتراضات و اعتصابات برای آزادی آیت‌الله

خمینی و سایر دستگیرشدگان و اعتراض به خشونت پانزده خرداد افزایش یافت. به گفته مهندس حسن شریعتمداری بسیاری از روحانیون از قم و سایر نقاط کشور به تهران مهاجرت کردند:

مهندس حسن شریعتمداری: بعد از قضیه ۱۵ خرداد، شاه طی سخنرانی‌ای گفت که دادگاه نظامی‌ای تشکیل خواهد شد و ایشان محاکمه خواهند شد و شایع شد که ایشان را می‌خواهند اعدام کنند. پدر من به عنوان اعتراض به همراه روحانیون شهرستانها به تهران آمدند و در باغ ملک حضرت عبدالعظیم شهری ساکن شدند. این اعتراض، اعتراض به خشونت و سرکوب روز ۱۵ خرداد بود و در این موقع خبر آوردند که قضیه جدی است و آقای خمینی محاکمه خواهند شد و به احتمال قوی اعدام می‌شوند. و چون منشأ این فرمان شاه بود تنها راهی که برای پیشگیری اعدام پیش‌بینی شد این بود که پدر من به همراه چند نفر دیگر از علما اعلامیه‌ای بنویسند و آقای خمینی را جزء علمای درجه یک تأیید کنند، چون در قانون اساسی اصلی است به نام اصل طراز و منظور از اصل طراز این است که علمای درجه یک سمت برتری به قانون دارند و در نتیجه قابل محاکمه نیستند.»

بی.بی.سی: «دولت علم در هفدهم اسفند ماه ۱۳۴۲ کنار رفت و حسنعلی منصور به جای او به نخست‌وزیری منصوب شد. یک ماه بعد آیت‌الله خمینی را به قم بازگرداندند. وی عملاً رهبری روحانیت را در دست گرفته بود و خواهان قدرت بود. اما به گفته دکتر کریم سنجابی دیگران نمی‌دانستند:

دکتر کریم سنجابی: روحانیون تا به حال هیچ وقت در فکر ایجاد حکومت روحانی نبودند. تمام کوشش‌شان بر این بوده که دستگاه‌های حکومت را همراه با خودشان قرار بدهند و آنها هم با حکومت‌های وقت همراهی کنند. همیشه با ظل‌الله‌ها همراه بودند، همیشه با پادشاهها همراهی می‌کردند. ولی در این دوره به فکر حکومت روحانی به معنای واقعی بودند. ملت ایران و حتی روشنفکران

ایران از این غافل بودند.»

بی.بی.سی: «آیت‌الله خمینی که رهبری سیاسی روحانیت را به دست گرفته بود اکنون فعالانه در پی رهبری سیاسی همه مخالفان شاه بود. در اوایل پاییز سال ۱۳۴۳ مجلس ایران لایحه مصونیت مستشاران نظامی امریکایی را تصویب کرد. روز چهارم آبان آیت‌الله خمینی بار دیگر در میان احساسات شدید هوادارانش سخنانی ایراد کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

(گریه شدید حضار)

بی.بی.سی: «آیت‌الله در این سخنان لایحه مصوب مجلسین را ناقض حق حاکمیت ملی ایران با کاپیتولاسیون خواند. مطلبی که بعدها به کرات به آن اشاره کرد:

امام خمینی: در زمان رضا شاه وقتی که کاپیتولاسیون به اصطلاح خودشان لغو شد، چه بساطی درست کردند در تبلیغات، یک وقت آن طور هیاهو کردند و جشن گرفتند. آن روزی که اعلیحضرت محمدرضا شاه خلف صدق اعلیحضرت رضا شاه آمد کاپیتولاسیون را برای اینها درست کرد باز هم این داد بلند شد که ای چه خدمت بزرگی، آن را که او لغو کرد، ایشان اثبات کرده‌اند. در لغوش ما جشن باید بگیریم، در اثباتش هم باید جشن بگیریم.»

بی.بی.سی: «در پی این نطق، آیت‌الله خمینی روز سیزدهم آبان به ترکیه تبعید شد. اما روحانیت به گفته احسان نراقی همچنان فعال ماند:

احسان نراقی: شروع شده بود یک نهضت جدیدی در روحانیت ایران که خودشان را با زمانه تطبیق بدهد و از آن حالت قشری‌گری بیرون بیاید. خوب، بودند دیگر تمام همین روحانیون، همین مرحوم مطهری و دیگران قلم می‌زدند،

حرفشان این بود که روحانیت باید خودش را از آن حالات بیاورد بیرون و خودش را خارج کند و با زمانه پیش برود و حرکت ارتجاعی را از دست بدهد. یعنی یک عده‌ای از روحانیون از سالها پیش شروع کرده بودند به اینکه دنیا را بشناسند و مسائل را از دید جدیدی توجّه کنند. و بخصوص بعد از سال ۱۳۴۱ این جریان تشدید شد. یعنی روحانیتی که دید باید با شاه بجنگد و شاه راه را به رویش بسته، جز مبارزه کار دیگری نمی‌تواند بکند رفت خودش را ساخت که بتواند حریف بشود.»

بی.بی.سی: «پس از وقایع ۱۵ خرداد که شاه روحانیون سیاسی را کنار زد بسیاری از سیاستمداران ملی و مذهبی همچنان در زندان بودند، از جمله مهندس مهدی بازرگان.

مهدی بازرگان: روی نهضت آزادی حساسیت دستگاه خیلی بیشتر بود برای اینکه ما صریحاً مخالفت با استبداد داشتیم و لبه تیز حمله ما متوجه شخص شاه بود و یک نامه سرگشاده‌ای هم در آن موقع بیرون دادیم که گفتیم مسئول همه این جریانات شخص شما هستید. این بود که نسبت به ما خیلی حساسیت داشتند. بنابراین سران نهضت آزادی را محاکمه نظامی کردند در دادسرای ارتش و به زندانهای از یک سال تا ده سال محکوم کردند.»

بی.بی.سی: «رئیس وقت دادگاه تجدید نظر ارتش سرتیپ قره‌باغی بود: ارتشبد قره‌باغی: من رئیس دادگاه اینها بودم، رئیس دادگاه تجدید نظرشان بودم. ما اینها را روی حرف و مدارکی که پیدا شده بود از موقعی که طالقانی می‌خواسته است در زندان وضو بگیرد از لای جورابش کاغذی به زمین می‌افتد. موقعی که کاغذ به زمین می‌افتد نگهبان زندان که بالای سرشان بوده است، این کاغذ را برمی‌دارد. این کاغذ تلگرافی بود که اینها به ناصر کرده بودند. در آنجا گفته بودند که ما باید مبارزه مسلحانه بکنیم و آن موقع هم، موقعی که من رئیس دادگاه بودم، من مطابق سبک خودم در دادگاه با اینها عیناً مثل آدم عادی صحبت

می‌کردم: آقای مهندس بازرگان، آقای دکتر سنجابی بفرمایید صحبت کنید، حتی مدتی هم اجازه دادم هر چقدر دلشان می‌خواهد دفاع کنند، مورد اعتراض قرار گرفتم، مورد اعتراض اعلیحضرت و دیگران قرار گرفتم. گفتم اگر دادگاه هست باید صحبت کنند...»

بی.بی.سی: «سران جبهه ملی پس از وقایع ۱۵ خرداد از زندان آزاد شدند. اما به گفته دکتر کریم سنجابی جبهه ملی در شیوه مقابله با شاه دچار اختلاف بود: کریم سنجابی: بعد از آنکه ما از زندان بیرون آمدیم آن وقت دچار اختلاف با مرحوم دکتر مصدق شدیم. عده‌ای از دانشجویان چپی ما از قبیل همین بیژن جزینی و غیره نامه‌ای به خدمت دکتر مصدق نوشتند، شکایت از سازمان جبهه ملی کردند که اینها افراد شورا را خودشان انتخاب کرده‌اند و به توقعات اعضا و به توقعات دانشجویان ترتیب اثر نداده‌اند. دکتر مصدق هم اطلاعات کافی از واقعیت امر نداشت. علاوه بر این دکتر مصدق هم اصولاً تشکیلاتی نبود. این بود که مصدق به ما نوشت که تشکیلات بی‌معناست، باید جبهه ملی غیر از احزاب چیزی نباشد، یعنی فقط احزاب در جبهه ملی باشند، فرد عادی نباشد و ما هم چون این رویه مخالف تصمیمی بود که کنگره تصویب کرده بود و خود ما به آن معتقد بودیم یک نامه مفصلی خدمت آقای دکتر مصدق نوشتیم. دکتر مصدق آن نامه ما را رد کرد. ما به علت رد کردن او نوشتیم و اختیار را به خود ایشان دادیم چون علیه مصدق نمی‌توانستیم بایستیم. به او دادیم تا هر طوری که خودش صلاح می‌داند جبهه ملی را تشکیل بدهد. این بود که ایشان به فکر این افتادند که جبهه ملی سؤم را تشکیل بدهند یعنی جبهه ملی مرکب از اعضاء آقای کاظمی را مأمور این کار کردند وزیر خارجه‌شان را، که جبهه ملی سؤم تظاهر به جمع شدن کردند ولی عملی نشد و منحل شد و بالاخره هم آن جبهه ملی سؤم به وجود نیامد. هم جبهه ملی که منشور و اساسنامه آن را معین کرده بودند و خودش تعطیل کرد به حال تعطیل باقی ماند و میدان برای فعالیت شاه خالی شد.»

بی.بی.سی: «با سرکوب سیاستمداران معتدل که معتقد به مبارزه قانونی بودند به گفته علی اصغر حاج سید جوادی گرایشهای تند، هواداران بیشتری پیدا کرد: علی اصغر حاج سید جوادی: بعد از وقایع خرداد ۴۲ با سرخوردگی که به اصطلاح مخالفان و نسلهای جوان مخصوصاً در دانشگاهها نسبت به شیوه و سیر جریان دموکراسی بعد از سقوط دولت مصدق پیدا می شود یک گرایش شدید به طرف مذهب و یک گرایش شدید به طرف جنگهای چریکی و جنگهای مسلحانه در فضای ایران ایجاد می شود.»

بی.بی.سی: «و از میان آن، چنان که مهندس بازرگان شرح می دهد گروههای چریکی سر برآوردند:

مهندس بازرگان: گروههای چریکی مختلف بود، هم از چپی ها بودند هم از ملی ها و مذهبی ها بیشتر جوانها بودند و فشار آن زمان، فشار دستگاه از طریق ساواک مخصوصاً و از طرف پلیس طوری بود که خیلی از افراد ایران اعم از طبقه متوسط و افراد مسن و جا افتاده و جوانها به این نتیجه رسیده بودند که مبارزه قانونی و مبارزه علنی و به صورت معقول نتیجه ای ندارد. البته من نمی خواهم تأییدی بکنم این تصور را ولی این طرز فکر خیلی در آن موقع رایج شده بود. و استدلالی که می کردند می گفتند بینید از این راه وارد شدید و شما را به زندان انداختند و در هر حال نتیجه ای نگرفتید یعنی دستگاه و پشتیبانان دستگاه منطق زور و اسلحه را فقط می توانند بپسندند. این بود که چریکها پیدا شدند که طیف وسیعی بودند از معتقدین و فداییان فکر مارکسیست گرفته تا خیلی مؤمنین و مقدسین و آنهایی که طالب شهادت بودند از مسلمانها. همه جور در بینشان بود.»

بی.بی.سی: «تندرویهای شاه و ظهور گروههای مسلح از درون نیروهای سیاسی و مذهبی، رهبران مخالف را به گفته دکتر کریم سنجابی در وضع دشواری قرار داده بود:

کریم سنجابی: ما همیشه اعلام می کردیم که مبارزه قانونی می کنیم. شاه و

دستگاه استبدادی شاه است که می‌خواهد ما را به زیرزمین بفرستد و مبارزه زیرزمینی بکنیم. ولی ما می‌خواهیم مبارزه علنی و قانونی بکنیم. علاوه بر این ما با هر نوع مبارزه تروریستی مخالف بودیم و معتقد بودیم که این نوع مبارزات به هدف نمی‌رساند و دستگاهی که به وسیله تروریسم و مبارزه رزمی به حکومت می‌رسد نمی‌تواند آزادی برقرار کند، حکومتش قطعاً حکومت دیکتاتوری خواهد بود. موقعی که ما در جبهه ملی بودیم، بودند افرادی که زمزمه و صحبت چریکی بودند اینها جزو سازمان جبهه ملی بودند، مثلاً «جزنی» شاگرد خود من بود. من به او می‌گفتم: پسر تو اگر با ما مخالفی برو در خارج یک جمعیت درست کن. اگر با ما هستی این شرط دوستی و انسانیت نیست که علیه ما مبارزه کنی. وقتی که مبارزه ما تعطیل شد اینها مبارزات زیرزمینی را شروع کردند. این یکی از نتایج تعطیل جبهه ملی بود که مبارزه علنی و آشکار مبدل به مبارزه غیرقانونی تروریستی شد و نتیجه دیگر آن پیشرفت روحانیت در مبارزه شد. بعد از ما دسته‌های مختلف چریکی به وجود آمد و متأسفانه به علت نبودن فعالیت جبهه ملی اینها عقیده‌شان از جبهه ملی برگشته بود و به چپ و به روحانیت رو آورده بودند.»

بی.بی.سی: «در میان روحانیان هم دسته‌ای فعالیتهای مسلحانه را تأیید می‌کردند اما اکثریت از سیاست پرهیز داشتند. و گروهی هم با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی در فکر تحول بنیادی در نهاد مذهب بودند. آیت‌الله خمینی پیش از تبعید به هیئتهای بازاری مسلمان سر و صورتی داده بود که با شاگردانش مثل مرتضی مطهری و دکتر بهشتی ارتباط داشتند. به گفته حاج محمد شانه‌چی این هیئتها فعالیت خود را مخفیانه ادامه می‌دادند:

محمد شانه‌چی: نوع آقای هاشمی رفسنجانی و آقای باهنر و آقای خامنه‌ای و سایرین، اینها آمده بودند در هیئتهای مذهبی در بازار سخنرانی می‌کردند. اعلامیه‌های اینها همه باعث شد که بازاریها بیدار شده بودند و از یک طرف هم

فشار ساواک و ظلم و ستم و تبعیض که حکومت قائل شده بود در بین مردم، اینها همه باعث شد که بازاریها در مقابل حکومت ایستادند، در مقابل شاه ایستادند.» بی.بی.سی: «در بهمن ماه ۱۳۴۳ حسنعلی منصور که بعد از علم نخست‌وزیر شده بود با گلوله یکی از همین مذهبیون طرفدار آیت‌الله خمینی کشته شد و امیر عباس هویدا به نخست‌وزیری رسید. دکتر عبدالکریم لاهیجی وکیل دادگستری می‌گوید با شدت گرفتن فعالیتهای مسلحانه، شدت عمل دولت هم بیشتر شد:

لاهیجی: از اواسط سال ۱۳۴۲ اختناق روزبه‌روز شدت گرفت و به اوج خود از سالهای ۵۰ به بعد رسید، یعنی از زمانی که فعالیتهای چریکی و مسلحانه در ایران شروع شد. و از آن زمان به بعد بدترین نوع شکنجه و بدرفتاری با زندانیان سیاسی در ایران معمول شد. شکنجه دیگر به صورت سیستماتیک بود، محاکمات کاملاً جنبه سمبلیک و فرمایشی داشت، فی‌الواقع ساواک بود که بر دادگاههای نظامی حکومت می‌راند بدون کوچکترین اختیاری برای قضاوت نظامی که در سلسله مراتب نظامی کلاً زیر نظر ساواک و شخص شاه بودند.»

بی.بی.سی: «با این حال به گفته مهندس بازرگان هنوز با رهبران سیاسی در زندانها با خشونت کمتری برخورد می‌شد:

مهندس بازرگان: این در واقع یکی از آن نقاط عطفی بود که مدام شدت پیدا می‌کرد. منتها نسبت به سرانی که موجه بودند و شناخته شده بودند رویهمرفته رفتار ملایم بود، کما اینکه وقتی عده زیادی از جبهه ملی و نهضت آزادی را گرفته بودند رفتار با سران جبهه و نهضت آزادی روی هم رفته معقول بود و به علاوه چون مأمورین و مسئولین همه می‌فهمیدند، آنها باطناً طرفدار بودند و اگر دستشان هم می‌رسید حتی مساعدت هم می‌کردند ولی نسبت به جوانترها شدت عمل خیلی بیشتر بود. ولی در هر حال به آنجا رساندند که دست همه ماها را بستند و خود به خود چون راه مبارزه قانونی را سد کردند و نگذاشتند که آزادانه از راه قانون، از راه منطق، از راه شرع، از راه انسانیت حرف بزنند و اینها را یا در

زندان گذاشتند یا به طرق مختلف مانع شدند، این فکر پیدا شد که باید مبارزه مسلحانه کرد. با طرفداران مبارزه مسلحانه که آنها داخلشان هم چپی بود، هم معتدل ملی، هم مقدس و مذهبی، با آنها چون می‌خواستند مبارزه مسلحانه بکنند قهراً رفتار زندان خیلی شدیدتر می‌شد. شکنجه‌های مختلف و حتی در آن اواخر می‌گفتند آپولو و وسایل عدیده به کار برده می‌شد. تا حدی که بعضیها زیر شکنجه حتی فوت می‌کردند، کشته می‌شدند و مقاومت می‌کردند. بعضیها برعکس تسلیم می‌شدند. رفته رفته که این وضع توسعه پیدا می‌کرد و شامل همه طبقات می‌شد پایه‌های حکومت استبدادی شاه به این ترتیب سست می‌شد. یکی از عواملش همین بود، رفتارهایی بود که زندانها می‌شد.»

بی.بی.سی: «حکومت فردی همه جاگیر می‌شد و به گفته ارتشبد جم‌وزرای دولت احساس می‌کردند که کسی که همه تصمیمات را می‌گیرد خود شاه است: ارتشبد جم: در حقیقت نخست‌وزیر خود اعلیحضرت بود، وزیر خارجه اعلیحضرت بود، وزیر اقتصاد اعلیحضرت بود، آنها فقط مجری دستورات بودند. من شخصاً یک دفعه با مرحوم هویدا صحبت می‌کردم. به ایشان به عنوان گله می‌گفتم که اعلیحضرت زیادی این فرماندهان زمینی و هوایی و دریایی و ژاندارمری را این قدر مستقیم می‌پذیرند و مستقیم دستور می‌دهند که اصلاً ستاد را کوچک می‌کند. اینها دیگر حاضر نیستند برای ستاد تره خرد کنند. یعنی در حقیقت دستگاه فرماندهی دیگر دستگاه فرماندهی نیست. ایشان به من گفتند که وضع شما درست مثل وضع من است (مرحوم هویدا) گفتند شما خیال می‌کنید که من نخست‌وزیر هستم؟ این وزرا همه می‌روند کارهایشان را مستقیماً با اعلیحضرت حل و فصل می‌کنند، دستورات می‌گیرند و من هم برای اینکه خود را از تک و تا نیندازم تظاهر می‌کنم که بله ما کردیم. بعد به ایشان گفتم که شما چرا تحمل می‌کنید، چرا قبول می‌کنید؟ گفت من اعلیحضرت را دوست دارم و به ایشان معتقد هستم و چون به ایشان علاقه دارم این وضع را قبول می‌کنم.»

بی.بی.سی: «دخالت‌های از بالا به گفته دکتر شاپور بختیار در کوچکترین انتصابات هم محسوس بود:

شاپور بختیار: شما نمی‌توانستید یک دهم‌دار تعیین بکنید قبل از اینکه دهم‌دار را ساواک تأیید کرده باشد. خوب آقا این دهم‌دار را بگذارید خود ده انتخاب کند یا حاج محمدجعفر می‌شود یا میرزا محمدباقر. هر کدام شدند، شدند، این آدم چه می‌تواند بکند. قانون را اجرا کرد، خوب ده را اداره کرد خدا پدرش را بیامرزد، باز هم مردم به او رأی بدهند، نکرد شما از تبریز به سفارش کسی برای خراسان یک نفر را می‌فرستید یا از اصفهان برای رضائیه شهردار تعیین می‌کنید این چه هنری است؟ این دهن کجی به مردم نیست؟ این که با چمدان خالی می‌آید و می‌داند که شش ماه یا هفت ماه دیگر می‌خواهد برگردد، چمدانش را که پر کرد برمی‌گردد، کسی هم دیگر مسئول نیست. این بود که دائماً صحبت می‌شد که سپردن کار مردم به مردم. درست عکس آن را انجام می‌دادند. عدم سپردن کار مردم به مردم، مردم حق فضولی ندارند. من جایشان کار می‌کنم. این که نمی‌شود.»

بی.بی.سی: «و به گفته دکتر لاهیجی این شیوه عمل دیگر همه جاگیر شده بود: دکتر لاهیجی: به مرور تمام نهادهایی که در جامعه ما جا افتاده بود بخصوص در آن چند سال دوره حکومت دکتر مصدق، چه دادگستری، چه مطبوعات، چه احزاب سیاسی به مرور اینها محو می‌شوند و کلیه اختیارات آنها مستقیماً و بلاواسطه می‌رسد به رأس هرم اقتدار و قدرت که شخص شاه است. یعنی روزبروز از اختیارات و اقتدارات نهادهای اجتماعی و سیاسی که باید کنترل‌کننده قدرت باشند کاسته می‌شود و به اختیارات قوه مجریه و فی الواقع به اختیارات شخص شاه اضافه می‌شود. من یک مثال می‌زنم: هویدا وقتی در چارچوب همان انتخابات مجالس آن زمان و در چارچوب همان به اصطلاح اپوزیسیون فرمایشی آن زمان که یکی دو تا حزب بودند وقتی مثلاً حزب مردم، یک نماینده حزب مردم، که خوب می‌دانیم در رأس حزب مردم کی بود

نمایندگان حزب مردم هم با موافقت ساواک به مجلس می‌رفتند. وقتی از هویدا استیضاح می‌کنند، هویدا در مجلس بلند می‌شود و می‌گوید شما کی هستید از من استیضاح بکنید؟ من فقط یک مسئول دارم و جوابگوی یک نفر باید باشم و آن شخص شاه است.»

بی.بی.سی: «شاه مستبدانه عمل می‌کرد اما به نظر ارتشبد جم اطرافیان شاه و بسیاری از مردم در تبدیل او به شاهی مستبد نقش داشتند:

ارتشبد جم: البته آن اعلیحضرت وقتی که شاه شد این اعلیحضرت این اواخر نبود. به کلی این رو و آن رو شد. در آن سالها خیلی دموکرات منش بود، افکار به اصطلاح آزادیخواهی و ملت‌خواهی خیلی زیاد داشت. دیکتاتور را خود ساخت. خود ملت ایران و خود همین مردم و وزرا و وکلا بودند که آن شاه آزادمنش و بی‌ادعا را تبدیل به خدا کردند.»

بی.بی.سی: «شاه دیگر خود را بلامنازع و مقتدر می‌دید و معتقد بود که تحولی بنیادی را در جامعه ایران رهبری کرده است:

ارتشبد جم: برای اینکه در صف ممالک مترقی دنیا قرار بگیریم لازم بود که ما که متأسفانه روی همان علل انحطاط عقب مانده بودیم، یکمرته و در یک مرحله تمام آثار ضعف و انحطاط اجتماعی و اخلاقی و روحی خود را از بین ببریم. موقعیت اجازه نمی‌داد که امروز یک اقدام به اصلاح اصلاحی انجام بدهیم و این اقدام را کم‌کم مملکت هضم بکند و بعد از یک سال دو سال یک اقدام دیگر. در این صورت شاید بیست سال، سی سال طول می‌کشید تا اینکه ما تا حدودی خود را همگام سایر ملل می‌کردیم. این سیر ترقی و پیشرفت چرخ تمدن دنیا این فرصت را به هیچ کس نمی‌دهد، بخصوص به مملکت ما در آن موقعیت جغرافیایی مهمش. پس لازم بود که یکمرته تمام آثار ضعف و انحطاط خود را کنار می‌گذاشتیم و هر عملی که برای رسانیدن ما به پایه ممالک مترقی دنیا لازم بود اتخاذ بکنیم. این عمل جنبه کاملاً انقلابی داشت.»

بخش دوّم
اسناد نهضت دو ماهه روحانیون

مُتَكَلِّمًا

علی دوانی می‌نویسد:

« روزنامه کیهان در روز دوشنبه ۱۶ مهر مطابق ۸ جمادی‌الاولی در صفحه اول خود با حروف درشت نوشته بود: « طبق لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی که در دولت به تصویب رسیده و امروز منتشر شده به زنان حق رأی داده شده.»

روزنامه‌های عصر تهران مانند اطلاعات و کیهان معمولاً سه ساعت بعد از انتشار به قم واقع در ۲۴ فرسخی تهران می‌رسد. آن روز نیز نزدیک غروب که روزنامه کیهان با آن لحن معنی دار و تیتراژ تکان‌دهنده، بدست مردم متدین قم و روحانیون حوزه علمیه رسید، موجی از خشم و عصبانیت پدید آورد.

روزنامه اطلاعات هم متن تصویب‌نامه را (منتها بدون تفسیر مزبور) درج کرده بود، ولی خود تصویب‌نامه از تصریح به این معنی کوتاه بود.

روحانیون قم در رأس آنها مراجع تقلید در مدتی که لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در هیئت دولت مطرح بود، مراقب نتایج آن بودند، و از بعضی قرائن

احتمال خلافی نیز در آن می‌دادند ولی باور نمی‌کردند به این صورت از تصویب هیئت وزیران بگذرد و تا این حد مخالف قانون و ضدّ دین باشد! عصبانیت روحانیون تنها به خاطر این نبود که تصویب نامه در معنی حق رأی به بانوان داده است، بلکه اهمیت موضوع از آنجا سرچشمه می‌گرفت که دولت در تصویبنامه خود اولاً قید اسلام را از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌ها برداشته و اصلاً سخنی از آن به میان نیاورده بود، گوئی ایران مملکت اسلامی نیست. ثانیاً در مراسم تحلیف و قسم خوردن، به جای قرآن مجید، کتاب آسمانی نوشته بود. ثالثاً ذکوریت از شرایط مزبور حذف و بجای آن «باسواد» مسطور بود، تا به نظر آنان زنان ایران هم بتوانند رأی بدهند و رأی بگیرند.

موضوع حق رأی دادن به بانوان بهانه‌ای بیش نبود، و هدف عمده حذف قید اسلام از «شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌ها» بود که بدین وسیله راه برای سایر فرقه‌ها مانند یهودی، مسیحی، زرتشتی و مخصوصاً فرقه ضالّه بهائی عمّال خطرناک بیگانه در داخله کشور ایران، باز شود لذا برای تسهیل امر قید «قرآن» را نیز از قسم‌نامه برداشته و جمله «کتاب آسمانی» را جای آن گذاشته بودند تا بدین وسیله فرقه‌های مزبور حتی اعضاء حزب سیاسی بهائی که مسلک ساختگی خود را «دیانت» نامیده و جنگ الخرافات خود را «کتاب آسمانی» می‌دانند بلامانع بتوانند به عضویت انجمنهای ایالتی و ولایتی شهرها و استانهای مملکت اسلامی ایران انتخاب شوند، و سرنوشت مسلمانان را بدست گیرند و در تمام امور عام‌المنفعه آنها دخالت کنند و بدین گونه اختیارات فراوانی در همه شئون زندگی مردم ایران بدست آورند!

اقدام فوری

چنانکه گفتیم روزنامه‌های عصر تهران که تصویبنامه دولت و قیود تغییر یافته آن را منتشر ساختند نزدیک غروب به قم رسید، و بدنبال آن طوفانی از خشم و

ناراحتی در میان عموم طبقات خاصه جامعه روحانیت پدید آمد. آن روز بعد از نماز مغرب و عشاء تقریباً سه ساعت بعد از رسیدن جرائد به قم منزل آیه‌الله‌العظمی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بنیان‌گذار حوزه علمیه سه تن از آیات عظام قم آیت‌الله گلپایگانی، آیه‌الله شریعتمداری و آیه‌الله خمینی با حضور فرزند بزرگ آن مرحوم، آیت‌الله آقا مرتضی حایری نظر به ضیق وقت به طور فوق‌العاده جلسه تشکیل داده و تا پاسی از شب در پیرامون تصویبنامه دولت و نحوه اقداماتی که می‌باید انجام گیرد به مذاکره پرداختند.

آقایان عقیده داشتند خطری عظیم دیانت مقدسه اسلام و قرآن مجید را تهدید می‌کند و دولت دانسته یا ندانسته دست به این خطر زده است.

چون نگرهبانی دین مبین اسلام و پاسداری قرآن مجید به عهده مراجع تقلید و زعمای مسلمین می‌باشد و آنها هستند که باید تکلیف مردم را روشن ساخته و به موقع بانک بیدارباش را به صدا درآورند، لذا تصمیم گرفتند صبح فردا اقدام جدی به عمل آورند و جلو این سیل بنیان‌کن را هر چه زودتر بگیرند.

آیات عظام نامبرده بالاخره پس از شور و تبادل نظر به این نتیجه رسیدند که این خطر مقدمه خطرات بزرگتر و سرلوحه دستبرد بیشتری به قانون اساسی برای تضعیف اساس دین و تزلزل ارکان ایمان مسلمین است، بدین لحاظ فردای آن شب مراتب اعتراض خود را نسبت به مواردی که دولت در تصویبنامه خود تغییر داده بود تلگرافی به اطلاع اعلیحضرت همایونی رسانده و از دولت به شاه شکایت نمودند...

تلگراف حضرت آیه‌الله خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی

پس از اهداء تحیت و دعا به طوری که در روزنامه‌ها منتشر است دولت در

انجمنهای ایالتی و ولایتی اسلام را در رأی دهندگان و منتخبین شرط نکرده و به زنها حق رأی داده است و این امر موجب نگرانی علماء اعلام و سایر طبقات مسلمین است بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام و آرامش قلوب است مستدعی است امر فرمائید مطالبی را که مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از برنامه‌های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگوئی ملت مسلمان شود.

الداعی روح‌الله الموسوی

تلگراف حضرت آیت‌الله شریعتمداری

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگاه رفیع اعلیحضرت همایون شاهنشاه با ابلاغ سلام و تقدیم ادعیه به طوری که روزنامه‌ها منتشر کرده‌اند دولت در ضمن تصویبنامه لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی شرط اسلام و شرط ذکوریت را در رأی دهنده و انتخاب شونده الغاء نموده و ضمناً رأی دادن و انتخاب شدن را به کلیه افراد ملت (اعم از زن و مرد) داده است. نظر به اینکه این تصمیم دولت مخالف با موازین شرعی است و بالنتیجه مخالف با قانون اساسی است و صلاح ملک و ملت نیست لذا خواهشمندیم که دستور اکید فرمائید دولت هر دو مورد مذکور را اصلاح نماید.

الاحقر سید کاظم شریعتمداری

تلگراف حضرت آیت‌الله گلپایگانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی دامت عظمته

بعد از اهداء تحیت از نظر علاقه به حفظ مصالح عالیه دین مبین اسلام و امنیت و استقلال مملکت و عطف توجه خاطر ملوکانه در مورد بعضی مقررات که از

طرف دولت به عنوان لایحه قانونی صادر می‌شود معروض می‌دارد تصویب‌نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی که در مواد آن مصالح مملکت و انطباق با قوانین محکمه شرع مقدس حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله وسلم رعایت نشده مخصوصاً در مورد شرط اسلام و مرد بودن انتخاب شونده و انتخاب کننده باعث نگرانی و سوء انعکاس است. مستدعی است با اهمیتی که همواره به حفظ جهات اسلامی و مملکتی اظهار فرموده‌اید دولت را از این گونه اقدامات ممنوع و امر به مراعات جهات اسلامی را در کلیه امور مملکتی صادر فرمایند رجاء واثق آنکه خداوند متعال مملکت شیعه را از خطرات محفوظ و عموم مسلمین را در اعلاء کلمه دین و نیل به هدفهای اسلام موفق و منصور دارد.

محمد رضا الموسوی الکلبایگانی

تلگراف حضرات آیات الله زنجانی، داماد، آملی و

حائری

حضور مبارک اعلی حضرت همایونی دامت عظمته

تصویب‌نامه مربوط به تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی که مبنی بر تساوی مسلمان و کافر و زن و مرد می‌باشد و در مراسم تحلیف بجای قرآن کتاب آسمانی قید شده است گذشته از اینکه قدم استواری در راه ترقی واقعی نیست مخالف با مصالح عالیه اسلام و کشور و مقام سلطنت است و با قانون اساسی و احساسات قریب به اتفاق ملت مسلمان ایران نیز موافقت ندارد. بنابراین از پیشگاه معظم ملوکانه تقاضا داریم که دستور مقتضی به منظور اصلاح صادر فرموده و با وضع رقت‌بار روز توجه دولت را به امور اساسی معطوف فرمائید

با تقدیم احترامات فائقه

احمد الحسینی الزنجانی، محمد الموسوی، هاشم آملی، مرتضی الحائری

تلگراف آیت‌الله عراقی

مقام شامخ اعلیحضرت همایون شاهنشاه خلدالله ملکه لاعلاءالدین

ضمن اهداء تحیات وافره نخست مزید موفقیت ذات همایونی را در اصلاحات اساسی از درگاه ایزد متعال مسئلت داشته بعداً از نظر علاقه به تحکیم مبانی سلطنت مشروطه در پرتو اجراء حدود موازین اسلامی به حکم وظیفه دینی استدعا دارد که دولت را از تصویب لوایحی که نه تنها به حال کشور سودی ندارد بلکه صددرصد زیان بخش است مانند شرکت نسوان در انتخابات ممنوع فرمائید موجب دعاگوئی عموم مسلمین و علاقه خاطر عامه است نصیح ملوک لازم و تأمل در عاقبت امور واجب.

قم- الاحقیر عبدالنبی نجفی عراقی

تلگراف اعلیحضرت همایونی

در پاسخ تلگرافات زعمای حوزه علمیه قم

کاخ سعدآباد - قم - شماره، ۳۰۵ ک ۹۰ ت ۷/۲۴

جناب مستطاب حجة الاسلام... دامت افاضاته قم-

تلگراف جنابعالی واصل شد و از ادعیه خالصانه‌ای که اظهار داشته‌اید، خوشوقتی و امتنان داریم. پاره‌ای قوانین که از طرف دولت صادر می‌شود چیز تازه‌ای نیست. و یادآور می‌شویم که ما بیش از هر کس در حفظ شعائر دینی کوشا هستیم، و این تلگراف برای دولت ارسال می‌شود ضمناً توجه جنابعالی را بوضعیت زمانه و تاریخ و هم چنین بوضع سایر ممالک اسلامی دنیا جلب می‌نمائیم. توفیقات جناب مستطاب را در ترویج مقررات اسلامی و هدایت افکار عوام خواهانیم.

۲۳ مهر ۱۳۴۱ - شاه

تلگراف حضرت آیت الله گلپایگانی

بسم الله الرحمن الرحيم

تهران: جناب آقای نخست وزیر دام جلاله

چون اعلیحضرت همایونی در جواب تلگراف حقیر راجع به اصلاح مواد تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی مرقوم فرموده اند: تلگراف برای دولت فرستاده می شود. عرض می شود اگر چه انتظار نمی رفت از دولت با مسئولیت خطیری که در تطبیق مقررات با قواعد مقدمه اسلام و حفظ مصالح عالیه مملکت و احترام از عقاید و افکار عموم مسلمانان دارد چنین تصویبنامه که موجب نگرانی و معرض سوء استفاده دشمنان دیانت و استقلال مملکت است صادر شود نظر به علاقه ای که جنابعالی به اجراء منویات ملوکانه دارید دستور فرمائید تطابق تصویبنامه را با قوانین دین مبین که مشخص آن علماء اعلام و مراجع تقلید می باشند مراعات و شرط مرد و مسلمان بودن انتخاب کننده و انتخاب شونده را صریحاً در آن قید نمایند و هم چنین در کلیه مقررات دولتی این موضوع را ملحوظ و سد استقلال مملکت و بقاء سلطنت مذهب جعفری را محکم و استوار دارند توفیق جنابعالی را در حفظ نوامیس اسلام و مملکت و تأمین رفاهیت عامه از خداوند متعال مسئلت دارم.

۲۱ جمادی الاولی ۱۳۸۲ محمدرضا الموسوی الگلپایگانی

تلگراف حضرت آیت الله شریعتمداری

بسمه تعالی

نخست وزیر محترم جناب آقای علم دام مجده

با ابلاغ سلام و تحیات راجع به الغاء شرط اسلام و شرط ذکوریت در تصویب نامه مربوط به انجمن های ولایتی و ایالتی تلگرافی به حضور اعلیحضرت

همایونی مخابره و نظر جامعه روحانیت شیعه را معروض داشته و چون شاهنشاه معظم در ضمن جواب موضوع را به دولت احاله فرموده‌اند لذا نظر جنابعالی را به نکات ذیل جلب می‌نمائیم:

اولاً الغاء دو شرط مزبور در رأی دهنده و انتخاب شونده مخالف با موازین شرعی است ثانیاً آنچه مخالف شرع باشد مخالف با قانون اساسی است و سمت قانونیت پیدا نخواهد کرد. ثالثاً چنانچه در قانون اساسی تصریح شده است موافقت یا مخالفت شرع را علماء و مراجع بزرگ شیعه باید معین نمایند بناء بر مراتب فوق انتظار جامعه روحانیت و اکثریت قریب به اتفاق ملت از جناب عالی این است که به قراری که در ضمن قوانین مصوب دوره اول مجلس شورای ملی صریحاً ذکر شده است شرط بوده اسلام و ذکوریت را در ضمن لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی صریحاً قید فرمائید و بدین وسیله نگرانی و تشویش عمومی را برطرف سازید و دستور فرمائید که مقررات دین مقدس اسلام را در جمیع مراحل بیش از این مراعات فرمایند.

۴۱/۷/۲۸ الاحقر سید کاظم شریعتمداری

تلگراف حضرت آیت‌الله خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

تهران جناب آقای اسدالله علم نخست‌وزیر ایران
در تعطیل طولانی مجلسین دیده می‌شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مباین صریح قانون اساسی است که مطمئن باشید تخلف از قوانین اسلام و قانون اساسی و قوانین موضوعه مجلس شوری برای شخص جنابعالی و دولت ایجاد مسئولیت شدید در پیشگاه مقدس خداوند قادر قاهر و نزد ملت مسلمان و قانون خواهد کرد، ورود زنها به مجلسین و انجمنهای ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف قوانین محکم اسلام که تشخیص آن به نص قانون

اساسی محوّل به علمای اعلام و مراجع فتوی است و برای دیگران حق دخالت نیست و فقهاء اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوی داده و میدهند در این صورت حق رأی دادن به زنها و انتخاب آنها در همه مراحل مخالف نص اصل دوّم از متمم قانون اساسی است و نیز قانون مجلس شوری مصوب و موشح ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را در انجمنهای ایالتی و ولایتی و شهرداری از زنها سلب کرده است مراجعه کنید به مواد هفت و نه قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی پانزده و هفده قانون انجمن بلدیّه (شهرداری) در این صورت چنین حقی به آنها دادن تخلف از قانون است و نیز الغاء شرط اسلام در انتخاب کننده و انتخاب شونده که در قانون مذکور قید کرده و تبدیل قسم به قرآن مجید را به کتاب آسمانی تخلف از قانون مذکور است و خطرهای بزرگی برای اسلام و استقلال مملکت دارد که یا غفلتاً یا خدای نخواستہ عمداً اقدام به این امر شده است اکنون که اعلیحضرت درخواست علماء اعلام را به دولت ارجاع فرموده‌اند و مسئولیت به دولت شما متوجه است انتظار می‌رود به تبعیت از قوانین محکم اسلام و قوانین مملکتی اصلاح این امر را به اسرع وقت نمائید و مراقبت کنید که نظائر آن تکرار نشود و اگر ابهامی در نظر جنابعالی است مشرف به آستانه قم شوید تا هر گونه ابهامی حضوراً رفع شود و مطالبی که به صلاح مملکت است و نوشتنی نیست تذکر داده شود. در خاتمه یادآور می‌شود که علماء اعلام ایران و اعتبار مقدّسه و سایر مسلمین در امور مخالفه با شرع مطاع ساکت نخواهند ماند و به حول و قوه خداوند تعالی امور مخالفه با اسلام رسمیت نخواهد پیدا کرد.

۴۱/۷/۲۸

روح‌الله الموسوی الخمینی

متن تلگراف حضرت آیت‌الله نجفی

مقام منیع حضرت اشرف آقای علم نخست‌وزیر محترم با کمال احترام مصدع می‌شود: نسبت به انتخاب بانوان در انجمن‌ها و شرط نشدن اسلام در منتخبین و رسمیت ندادن قرآن را در مقام تحلیف بسی افکار عموم طبقات بالاخص روحانیت ناراحت و در اضطراب می‌باشد لذا از باب خیرخواهی مستدعی است جداً و اکیداً از تصویب آن منع و از نشر چنین مقالاتی در جراید جلوگیری فرمایند امید است پیوسته به حمایت از اسلام و مقدمات دینیه موفق بوده باشید.

شهاب‌الدین‌الحسینی‌المرعشی‌النجفی

متن تلگراف حضرات آیات‌الله آقایان داماد، زنجانی، حائری و آملی

حضرت آية الله العظمى آقای بهبانی مدظله

پس از تقدیم تحیات و اظهار خلوص در تعقیب تلگراف به پیشگاه معظم شاهنشاه و ارجاع به دولت معروض می‌دارد: تصویبنامه مربوط به تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی چون مخالف با قواعد مقدمه اسلام است به نص اصل «۲» متمم قانون اساسی مردود می‌باشد و با اصل تفکیک قوی و ماده ۷ و ۸ قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی مصوب ۲۵ قمری نیز مخالف است و با این وضع رقت بار دردی از دردهای بی‌شمار ملت‌ها را دوا نمی‌کند و ثمری جز تولید تشنج و صورتی جز تقلید بی‌منطق ندارد بنابراین تصویبنامه فعلی خودبخود ملغی می‌باشد و پس از تشکیل مجلسین نیز قابل طرح نخواهد بود تقاضا داریم عین تلگراف را برای دولت ارسال فرمائید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

احمدالحسینی‌الزنجانی، محمدالموسوی، هاشم آملی، مرتضی‌الحائری

متن تلگراف حضرت آیه الله عراقی

بسمه تعالی

خدمت آقای نخست وزیر دام توفیقاته لاعلاءالدین

پس از اهداء تحیات کامله نخست توفیق شما را در اجراء حدود و توافیق مشروطه که محدود است به موجب قانون اساسی که باید تعدی از موازین قوانین اسلامی نشود والا مطروح است، تمنا دارد که مقرر فرموده مسئله انتخاب بانوان را در کلیه مجالس ممانعت نمایند. مطلب نشدنی است قیاس به پاره از قوانین مع الفارق. من آنچه شرط بلاغ است با تو خواهم گفت.

قم عبدالنبی نجفی عراقی

تلگراف حضرت آیت الله حکیم

نجف تهران شماره ۸۴ ک ۱۲۷ ت ۳/۱۱ تاریخ وصول ۴۱/۸/۱۴ - ۱۵ ل

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله بهبهانی دامت برکاته - تهران

قبلاً بوسیله نامه به حضرت عالی تذکر دادم تصویب لایحه انتخابات نسوان مخالف اصول متبوعه و موجب تنفر ملت مسلمان ایران است تلگرافات و نامه های زیادی از علماء دامت برکاتهم و مسئولین ولایات ایران به اینجانب رسیده و انزجار مؤمنین را از آن لایحه می رساند.

لذا لازم دیدیم بدین وسیله مجدداً تذکر دهم که به اولیای امور ابلاغ دهید که از تصویب این گونه قوانین که برخلاف قوانین مقدسه اسلام و مذهب حقه جعفریست جلوگیری نمایند و این مرکز اسلامی که مطمح انظار مؤمنین جهان است برایگان از دست نداده و به طوفان بلاهای گوناگون نیندازند.

و از جریانات اخیره ممالک اسلامی عبرت و پند گیرند ذلك بان الله لم یک
مغیراً نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم و ان الله سمیع علیم (۱).
(آیه شریفه قرآنیه سوره انفال آیه ۵۳)

محسن الطباطبائی الحکیم

تلگراف حضرت آیت‌الله خوئی

تاریخ ۴۱/۷/۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیه‌الله آقای بهبهانی دامت برکاته - تهران

تصویب‌نامه اخیر دولت راجع به تساوی زن و مرد و کافر و مسلمان در
انتخابات انجمنها مخالف شرع انور و قانون اساسی است لذا استنکار شدید
خود و حوزه علمیه نجف اشرف را بدین وسیله اطلاع داده مستدعی است
مراتب را به پیشگاه اعلیحضرت همایونی ابلاغ تا برحسب اقداماتی که در مورد
حمایت از دین مبین اسلام فرموده‌اند امر ملوکانه به الغاء این تصویب‌نامه اضدار
فرمایند.

تلگراف حضرت آیت‌الله بهبهانی

تهران - به عرض مبارک ملوکانه می‌رساند

با تقدیم خلوص و احترامات لازم مصدع است بطوری که در همین یکی دو
سال اخیر ملاحظه می‌شود جریاناتی عملاً و عنواناً در این مملکت می‌گذرد که به

۱ - ترجمه آیه شریفه: (حکم ازلی خدا) آن است که هر نعمتی را به قومی عطا کرد تغییر
نمی‌دهد (و نعمت را به عذاب مبدل نمی‌کند) تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند (و
اطاعت را بدل به معصیت کنند) و خدا شنوای (دعای پاکان) و دانای (بد و خوب احوال

طور کلی با شئون قانون اساسی و شرع مبین اسلام منافعی و غیر قابل انطباق است و طبقاً موجب تهییج افکار مردم متدین ایران می‌گردد، منجمله اخیراً تصویبنامه‌ای برای اجرای انجمن ایالتی منتشر شد که در شرائط انتخاب برخلاف شرع و هم چنین برخلاف قانونی است که در دوره اول مجلس شورای ملی به موجب قانون اساسی گذشته است که به موجب آن طبقه نسوان بهیچ عنوان حق انتخاب در انجمن ایالتی و ولایتی ندارند این پیشآمد موجب نگرانی علماء اعلام و متدینین مردم را فراهم کرده.

با مراجعات مستقیم و غیرمستقیم به حقیر و تلگرافاتی که از طرف اعظام علمای قم حضور مبارک شده حاکی از کمال اطمینان و علاقه مخصوص است که به شخص اعلیحضرت همایونی اظهار گردیده و امیدوارند که اعلیحضرت دستور اکید فوری صادر فرمایند اولاً از این به بعد مراقبت کامل بشود که از این گونه پیشآمدها در مملکت اسلامی نشود و ثانیاً در این مطلب که عنوان تصویبنامه به خود گرفته به هر طریق که مقتضی بدانند فوراً اصلاح لازم به عمل آید.

بالصراحه باید عرض کنم که دخالت زنان در امر انتخابات چون مستلزم مفاسد دینی عظیمه است حرام و مخالف آئین مقدس اسلام است. در چندی قبل هم این زمزمه‌ها شروع شده بود فتاوی علمای اعلام منجمله مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی طاب ثراه و حقیر و حضرت آیه‌الله مرحوم آقای حجت کوه کمری و آقای صدررضوان‌الله علیهم بر حرمت دخالت زنان صادر شده است که تقدیم می‌گردد در خاتمه جز تقدیم ادعیه خالصانه عرضی نیست.

محمدالموسوی البهبهانی

فتوای مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند اگر چه اولیاء امور متوجه به این معنی بوده و هستند لکن نظر به اینکه همین قسم که مرقوم داشته‌اند ممکن است بعیداً که بعضی زمزمه‌ها تأثیری داشته باشد مستدعی است تذکر دهید که در کشور اسلامی امری که (دخالت زنها در انتخابات) مخالف احکام ضروریه اسلام است ممکن الاجراء نیست دوام تأییدات جناب مستطاب عالی را از خداوند عزشأنه مسئلت می‌نماید.

حسین الطباطبائی

فتوای مرحوم آیت‌الله حجّت

بسم الله الرحمن الرحيم

بشرف عرض عالی می‌رساند خیلی مناسب است که حضرت مستطاب عالی به اولیاء امور تذکر دهید که در بلاد اسلامی امری که مخالفت آن از جهاتی با شریعت مقدسه محرز است اجراء آن غیر ممکن است و تولید مفساد خواهد نمود. از مساعی جمیله حضرت‌تعالی تشکر می‌نمایم.

الاحقر محمدالحسینی الکوهد کمری

فتوای مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین صدر

خدمت حضرت مستطاب آیه‌الله آقای میر سید محمد بهبهانی دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند: همواره از خداوند متعال سلامتی و عزت وجود محترم و تأیید و توفیق را برای خدمتگذاری به اسلام و مسلمین خواستارم تلویحاً تصدیع می‌دهد: با آنکه در طرح قانون انتخابات که اخیراً از طرف جناب آقای نخست‌وزیر در معرض افکار عمومی قرار داده شده صریحاً اجازه مداخله در انتخابات به زنها داده نشده است و این امر از هر جهت مورد تقدیر و تحسین

می باشد، ولی چون اخیراً زمزمه‌هایی از بعض اطراف شنیده می شود و مطالبی در بعض جرائد منتشر می گردد مقتضی است حضرت تعالی متذکر فرمائید که این صحبتها و مطالب موجب تزلزل و تردید جناب آقای نخست وزیر و مصادر امر نگردد. زیرا مداخله زنان در انتخابات به جهاتی چند غیر مشروع می باشد و در کشور اسلامی به حول و قوه الهی اجراء نمی گردد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

سیدصدرالدین صدر

اعلامیه

علماء و روحانیون تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

به تاریخ ۲۴ جمادی الاولی سنه ۱۳۸۲

مطابق ۱۳۴۱/۸/۲

مردان و زنان مسلمان ایران! آشفته‌گی‌ها و پریشانی‌ها بر احدی پوشیده نیست همه جا مظاهر فساد اخلاق، فقر، هرج، مرج، و هر گونه اعمال نامشروع مشهود است. دین و دنیا هر دو در آخرین درجات انحطاط قرار دارد، و همه روزه بار بیشتری از بلا و درد بر دوش مردم ستمدیده گذاشته می شود، اخیراً زمزمه دیگری ایجاد کرده با تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی و شرکت دادن بانوان نغمه نوینی آغاز می کنند. ملت ایران! ما در صدد این نیستیم که درباره مواد این تصویبنامه گفتگو کنیم و از نظر دین مقدس اسلام سخنی بگوئیم، زیرا با توجه به تذکرات آقایان اعلام و مراجع مطلبی مخفی نمانده است. بلکه می خواهیم پرسیم مگر دولت می تواند با تصویبنامه قانون بگذارند؟ مگر با نبودن نمایندگان واقعی مردم می توان برای سرنوشت یک ملت قانون گذرانید؟ این عمل در دنیا عمل ظالمانه ایست که افرادی در پناه قدرت شخصی بخواهند سرنوشت ملتی را تغییر دهند و یا فرضاً دستورات مذهبی و اصول مسلمة و قوانین موضوعه آنرا

تبدیل نمایند، کسانی که ذیل این ورقه را امضاء می‌کنند و نامشان را در زیر این اعلامیه مشاهده می‌کنید، امید است از زمره خدمتگذاران صدیق دین بوده باشند که با هیچ دسته و جمعیت رابطه بخصوصی نداشته و نسبت به تمام افراد مسلمان با چشم برادری می‌نگرند و شاید هر کس ما را بشناسد با همین وصف بشناسد و مقصودی از این گفتار جز خیرخواهی و بیان حقیقت نداریم. البته با توجهات حضرت باری تعالی شأنه و عنایات خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء مردمی هستند که به اهمیت و حساسیت موقع پی برده، به وظایف دینی و انسانی خود عمل نمایند خدای متعال همه را در راه رشد و صلاح هدایت فرماید.

والسلام علی من اتبع الهدی

الاحقر سید علی اصغر خوئی، الاحقر سید آقا الموسوی الخلیجالی،
 الاثم محمد صادق الحسینی اللواسانی - الاحقر مهدی الحسینی امام جماعت
 مسجد لاله زار - بهاء الدین صدوقی - الاحقر احمد الحسینی الشهرستانی -
 اقل العباد جعفر خندق آبادی - سید صدرالدین جزائری، الاحقر علینقی
 الموسوی - الاحقر محمدرضا الموسوی الدزفولی - اقل الحاج الشیخ
 جواد القومنی الحائری - محمد باقر آشتیانی - محمد حسین الحسینی الطهرانی -
 مهدی الحسینی انگجی - محمد تقی جعفری - سید مرتضی ایروانی - سید رضا
 شیرازی - محبی الدین انواری - الحاج آقا عبدالله آل آقا - سید رضا مصطفوی
 تفرشی - سیدیحیی اسلامبولچی - محمد تقی الحسینی الطهرانی - الاحقر
 عبدالحسین سیدی الحسینی القمی - محمد اسماعیل جاپلغی - الاحقر جعفر
 المنکرانی - الاحقر ضیاء الدین الحسینی الاسترآبادی عفی عنه.

اعلامیه اصناف تهران

بسمه تعالی

پیرو تلگرافات عدیده حضرات آیات عظام و مراجع بزرگ ایران و نجف دامت برکاتهم درباره تصویبنامه اخیر که برخلاف شرع مقدس اسلام و قانون اساسی ایران قسم به قرآن کریم تبدیل به کتاب آسمانی گردیده و قرآن مجید را در ردیف تورات و انجیل و سایر کتب ضاله قرار داده و هم چنین شرط اسلام و مرد بودن را از انتخاب کننده و انتخاب شونده حذف کرده اند بدین وسیله اصناف تهران اعلام می دارند که:

تا حصول نتیجه در هر مرحله پشتیبانی کامل خود را از رهبران دینی و مراجع تقلید ابراز نموده و در دفاع از حریم مقدس اسلام از هیچ گونه فداکاری دریغ نخواهند نمود.

صنف فرش فروش تهران حاج سید حسن فرشچی - صنف خرازی فروش تهران حاج معین خرازی رحمانی - صنف کفاش تهران حاج محمد اطمینان - رضا نکوئی - صنف آهن فروشان تهران حاج محمد حسین ساده - صنف آلومینیم فروش تهران حاج محمد مهدیان - صنف بزاز تهران حاج علی اصغر کنعانیان - صنف دوخته فروش تهران حاج محمد هادی ماضی - صنف پیراهن دوز تهران حاج رجبعلی پیراهنچی - صنف ساعت فروش تهران حاج عبدالعلی زمردیان - صنف زرگر تهران حاج علی اصغر سرخه‌ای - صنف مقوافروش تهران حاج مرتضی لطیفی - صنف میخ فروش تهران حاج جواد حقیقت‌گر - صنف عتیقه فروش تهران قدیریان - صنف جواهرساز تهران حاج میرزا اسمعیل جواهری - از طرف عینک فروشان تهران حاج عباس عینک‌چیان - صنف دفتر فروش تهران علی کوچک‌منش - مبل‌ساز تهران حاج محمد مهدی شفیعی - صنف کاغذ فروش تهران حاج عبدالله قندی -

حاجی کاغذیان.

دومین تلگراف حضرت آیت‌الله شریعتمداری

بسمه‌تعالی

تهران - حضور مبارک اعلیحضرت همایونی

پس از تقدیم تحیات در تعقیب تلگراف سابق راجع به تصویب‌نامه دولت در امر انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی و الغاء «قیداسلام» و «قرآن مجید» به کتاب آسمانی لازم است به عرض برسانم: مرتباً تلگرافات و طومارها و نامه‌هایی از طرف عموم طبقات مردم دائر بر اعتراض به تصویب‌نامه مزبور از تمام شهرستانها به حقیر و سایر آقایان علماء اعلام می‌رسد و حکایت از یک ناراحتی و نگرانی شدید عمومی می‌کند، با کمال تأسف با اینکه اعلیحضرت همایونی رسیدگی به این موضوع را به دولت ارجاع داشته‌اند، آقای نخست‌وزیر نه تنها تذکرات صریح مراجع دینی راجع به مخالفت صریح تصویب‌نامه مزبور با موازین شرعی و اصول قانون اساسی را نادیده گرفته بلکه برای افکار عمومی مسلمانان هم احترامی قائل نشده و همچنان در مورد تصویب‌نامه مذکور پافشاری می‌کنند و این اصرار آقای نخست‌وزیر ممکن است خدای نکرده عواقب ناگواری ببارآورد، عموم مردم مسلمان از اعلیحضرت که به عنوان پادشاه یک کشور مسلمان و شیعه اعلام وفاداری به اصول این مذهب مقدس و حفظ قانون اساسی نموده‌اند انتظار دارند که به آقای نخست‌وزیر دستور دهند بیش از این موجبات ناراحتی مردم را فراهم نسازند.

صریحاً عرض می‌کنم مردم مسلمان اقدام نخست‌وزیر را در تبدیل نام قرآن مجید به کتاب آسمانی مبارزه آشکاری با قرآن مجید و مذهب رسمی کشور تلقی کرده و حذف قیداسلام را از شرائط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان دلیل

دیگری بر این موضوع می‌دانند، و هرگز نمی‌توانند نگرانی شدید خود را از این امر کتمان کنند. موضوع حذف قید ذکوریت و کشانیدن نسوان به محافل سیاسی علاوه بر مفساد اجتماعی که برای العین در ممالکی که این موضوع را اجرا کرده‌اند دیده می‌شود، برای ملت مسلمان ایران که اهمیت فوق‌العاده‌ای برای نوامیس خود قائل هستند، قابل تحمل نیست، و هرگز با عناوینی مانند «جبر زمان» و امثال آن که آقای نخست‌وزیر عنوان می‌کنند نمی‌توانند از مقدسات مذهبی و ملی خود چشم‌پوشی نمایند، و هیچگونه عدولی را در این امر جایز نمی‌شمارند، و امیدوارند که اعلیحضرت همایونی دستور دهند بالغو تصویب‌نامه مزبور که هم از نظر دینی و هم از نظر قانون اساسی جنبه قانونی ندارد موجبات رضایت عموم را فراهم سازند، و دولت بجای اصرار در این گونه امور، اقدامات وسیعی برای مبارزه با بیکاری و سایر گرفتاریهای عمومی بنماید.

قم - دهم جمادی الثانیه ۱۳۸۲

سید کاظم شریعتمداری

تلگراف دوم حضرت آیه‌الله خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی تلگراف مبنی بر آنکه اعلیحضرت بیش از هرکس در حفظ شعائر مذهبی کوشا هستند و تلگراف این جانب را برای دولت ارسال داشتند و توفیق این جانب را در ترویج مقررات اسلامی و هدایت عوام خواستار شدند موجب تشکر گردید البته ملت مسلمان ایران از اعلیحضرت همین انتظار را دارند فرموده اعلیحضرت موافق است با آنکه از پیغمبر اسلام (ص) به ما رسیده (اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه فمن لم یفعل فعلیه لعنة الله) البته شغل روحانی ارشاد و هدایت ملت است مع الاسف با آنکه به آقای اسدالله علم در این بدعتی که می‌خواهد در اسلام بگذارد تنبه دادم و

مفاسدش را گوشزد کردم ایشان نه به امر خداوند قاهر گردن نهادند و نه به قانون اساسی و قانون مجلس اعتنا نمودند و نه به خواست ملت مسلمان که طومارها و تلگرافات و مکاتیب بسیار آنها از اقطار کشور نزد این جانب و علماء اعلام قم و تهران موجود است وقعی گذاشتند و نه به اجتماعات انبوه قم و تهران و سایر شهرستانها و ارشاد مفید خطباء اسلام احترامی قائل شدند.

آقای علم از نشر افکار عمومی در مطبوعات و انعکاس تلگرافات مسلمین و اظهار تظلم آنها به اعلیحضرت و علماء ملت جلوگیری کرده و می‌کند و برخلاف قانون اساسی مطبوعات کشور را مختنق کرده و بوسیله مأمورین در اطراف مملکت ملت مسلمان را که می‌خواهند عرض حال خود را به اعلیحضرت و علماء ملت برسانند ارباب و تهدید می‌کند. آقای اسدالله علم تخلف خود را از قانون اسلام و قانون اساسی اعلام و برملاء نموده. آقای اسدالله علم گمان کرده با تبدیل کردن قسم به قرآن مجید به کتاب آسمانی ممکن است قرآن کریم را از رسمیت انداخت و «اوستا» و «انجیل» و بعض کتب ضاله را قرین آن یا بجای آن قرارداد این شخص تخلف از قانون اساسی را به بهانه الزامات بین‌المللی شعار خود دانسته با آنکه الزامات بین‌المللی مربوط به مذهب و قانون اساسی نیست تشبث به الزامات بین‌المللی برای سرکوبی قرآن کریم و اسلام و قانون اساسی و ملت جرم بزرگ و ذنب لایعفر است.

این جانب به حکم خیرخواهی برای ملت اسلام اعلیحضرت را متوجه می‌کنم به اینکه: اطمینان فرمائید به عناصری که با چاپلوسی و اظهار چاکری و خانه‌زادی می‌خواهند تمام کارهای خلاف دین و قانون را کرده به اعلیحضرت نسبت دهند و قانون اساسی را که ضامن اساسی ملیت و سلطنت است با تصویب‌نامه‌های خائنانه و غلط از اعتبار بیندازند تا نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و ملت را عملی کنند انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید آقای علم را ملزم فرمائید از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند و از جسارتی که به ساحت

مقدس قرآن کریم نموده استغفار نماید والا ناگزیرم در نامه سرگشاده به اعلیحضرت مطالب دیگری را تذکر دهم از خداوند تعالی استقلال ممالک اسلامی و حفظ آنها را از آشوب و انقلاب مسئلت می‌نمایم.

روح‌الله الموسوی‌القمینی

دومین تلگراف حضرت آیت‌الله گلپایگانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی دامت عظمته

با تقدیم احترامات از نظر تکلیف شرعی و مصلحت بینی و سلب مسئولیت و به لحاظ تلگرافات و طومارهای اعتراضی که از شهرستانها و نواحی مختلفه راجع به تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی می‌رسد لازم است به عرض برسانم:

بدواً از عنایات ملوکانه در جواب تلگراف حقیر امتنان حاصل است، وعده آنکه تلگراف برای دولت فرستاده می‌شود، باعث امیدواری شد، که به منظور الغاء آن بوده، ولی متأسفانه دولت اثری بر آن مرتب نکرده، و در لغو آن مسامحه و خودداری می‌نماید، و توجه ندارد که اصرار در تجاوز به قوانین شرع و اصول قانون اساسی چه آثاری سوء و نامطلوبی دارد.

اکنون که مجلسین تعطیل و مرجع رسیدگی به عملیات دولت منحصر به اعلیحضرت است، اگر مقام سلطنت هم دست دولت را در بعض اقدامات باز گذارند موجب یأس و ناراحتی خواهد شد.

در مملکتی که مذهب رسمی آن طریقه حقه جعفری است، با وجود قوانین محکمه و تغییر ناپذیر اسلام، و با عنوان حکومت مشروطه، جعل قانون و مقدرات جامعه را بدست معدودی سپردن، توهین به ملت، و بازگشت به اعصار

پیش از اسلام و روشهای قرون وسطی است. اینکه فرموده‌اند اعلیحضرت در حفظ شعائر اسلامی کوشا هستند. البته باید این طور باشد، و به همین جهت مسلمانان متوقع الغاء تصویبنامه و توجه کامل اعلیحضرت در حفظ شعائر اسلامی هستند. دولت در مسامحه معتذر به بعض تعهدات می‌شود با آنکه معلوم است اعتبار آنها در حدود موافقت با موازین دینی و قانون اساسی و اوضاع و احوال مملکت است.

عموم ملت ایران می‌دانند، که اعلیحضرت همایونی به قرآن مجید سوگند یاد نموده‌اند، که حامی دین و مذهب جعفری باشند و تمام مسلمین انتظار دارند، که بالغو این تصویبنامه وفاداری خودشانرا به عهدی که فرموده‌اند تأیید، و مردم را به توجهات ملوکانه بیش از پیش امیدوار، و موجبات مزید تشکر و دعاگوئی را فراهم فرمایند.

نهم جمادی‌الثانیه ۱۳۸۲

محمدرضا الموسوی الکلبایکانی

تلگراف حضرت آیه‌الله خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

تهران - جناب آقای اسدالله علم - عطف به تلگراف سابق اشعار می‌دارد معلوم می‌شود شما بنا ندارید به نصیحت علماء اسلام که ناصح ملت و مشفق امتند توجه کنید و گمان کردید ممکن است در مقابل قرآن کریم و قانون اساسی و احساسات عمومی قیام کرد علماء اعلام قم و نجف و سایر بلاد تذکر دادند که تصویبنامه غیر قانونی شما برخلاف شریعت اسلام و برخلاف قانون اساسی و قوانین مجلس است علماء اعلام تذکر دادند که ورود زنان در انتخابات و الغاء قید اسلام از منتخب و منتخب برخلاف اسلام و برخلاف قانون است.